

توصیف و بررسی دستگاه فعل در گویش دلواری

شیرین پورابراهیم (عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور اراک)

محمد مهدی واحدی لنگرودی (عضو پیشین هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس)

چکیده: هدف از این تحقیق توصیف دستگاه فعل در گویش دلواری است. داده‌های مورد نیاز تحقیق را یکی از نگارندگان که خود گویشور دلواری است، جمع آوری کرده است. روش انجام کار به صورت معرفی و توصیف عملکرد ستاک‌های حال و گذشته، صفت مفعولی و مصدر، پیشوندهای فعلی تصریفی، و پیشوندهای اشتقاقی است. گویش دلواری دارای دو نوع علامت مطابقت فعلی است. در افعال زمان گذشته متعدی، از پی‌بست‌های ضمیری و در سایر افعال از شناسه‌های فعلی استفاده می‌شود و، در تمام موارد، فعل از نظر شخص و شمار با فاعل منطقی جمله مطابقت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: گویش دلواری، دستگاه فعل، وند فعلی، پی‌بست ضمیری، مطابقت

۱. مقدمه

بخش دلوار واقع در غرب استان بوشهر، از توابع شهرستان تنگستان است، که در فاصله ۳۶ کیلومتری جنوب شرقی شهر بوشهر، در حاشیه خلیج فارس قرار دارد. جمعیت این بخش قریب به ۲۵ هزار نفر است. گویش دشتستانی (رضایی باغبیدی ۱۳۸۰: ۵) و گویش دشتی (منصوری ۱۳۷۵: ۱۲) به گویش‌های ایرانی دسته جنوب غربی تعلق دارند. به دلیل

مجاورت جغرافیایی دلوار با دشتستان و دشتی و نیز شباهت‌های موجود بین گویش دلواری و گویش‌های این مناطق، می‌توان استدلال کرد که گویش دلواری متعلق به شاخه جنوب‌غربی گویش‌های ایرانی نو است و به گویش‌های سایر مناطق بوشهر، از جمله گویش‌های دشتی و دشتستانی، شباهت‌های زیاد دارد.

در این مقاله سعی بر این است که دستگاه فعل در گویش دلواری معرفی و توصیف گردد. بدین منظور، ویژگی‌های مهمی از دستگاه فعل بررسی و توصیف خواهند شد که عبارت‌اند از ستاک‌های فعلی، صفت مفعولی، مصدر، شناسه‌ها و پی‌ست‌های فعلی، و نیز پیشوندهای فعلی تصریفی و اشتقاقی. برای آوانویسی داده‌های این گویش، از علائم آوایی موجود در جدول‌های ۱ و ۲ استفاده شده است. واج‌های معرفی شده در این جدول‌ها، در موقعیت‌های آوایی خاصی دچار دگرگونی می‌شوند؛ مثلاً واج /d/ در موقعیت پایانی کلمه به صورت [ð] ظاهر می‌شود.^۱

جدول ۱. همخوان‌های گویش دلواری

محل تولید شیوه تولید		دولبی	لبی-دندانی	دندانی	لثوی	لثوی-کامی	کامی	نرم‌کامی	ملازی	چاکنایی
انسدادی	بی‌واک	p		t				k		ʔ
	واکدار	b		d				g		
سایشی	بی‌واک		f		s	ʃ			x	h
	واکدار		v		z	ʒ			ɣ	
انسدادی - سایشی	بی‌واک					tʃ				
	واکدار					dʒ				
غنه‌ای		m		n						
کناری					l					
تکریری					r					
ناسوده							j			

(۱) برای مطالعه بیشتر نظام واجی این گویش، نک: کرد زعفرانلو کامبوزیا و ممسنی ۱۳۸۵.

جدول ۲. واژه‌های ساده گویش دلواری

پیشین	پسین	
u	i	بسته
o	e	نیمه بسته
a	æ	باز

در گویش دلواری تعداد افعال بسیط کمتر از افعال مرکب است. در این تحقیق، مطالعه افعال بسیط بیشتر مورد نظر بوده است. پرداختن به افعال مرکب خود مستلزم تحقیقی جداگانه است.

۲. پیشینه تحقیق

در مورد این گویش و سایر گویش‌های استان بوشهر، از جمله دشتستانی و دشتی، تحقیقات اندکی انجام شده است. نظام ضمائر شخصی در گویش دلواری در پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس تحت عنوان «توصیف و بررسی واژی-نحوی واژه‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری» (ممسنی ۱۳۸۰) مطالعه شده است. این تحقیق شامل دو بخش است: در بخش نخست، شش ضمیر متصل فاعلی (م، ت، ش، مو، تو، و شو) در چارچوب نظریه‌های ساختواژی نحوی در مورد واژه‌بست‌ها بررسی شده است و در بخش دوم، درباره ارگتیو بودن یا نبودن این گویش بحث و مشخص شده است که هر چند این گویش در حال حاضر ارگتیو نیست، نظام مطابقه آن از دو نوع عنصر مطابقه جداگانه بهره می‌گیرد. در جملات زمان حال و در جملات زمان گذشته لازم، از شناسه‌های فعلی و در جملات زمان گذشته متعدی از پی‌بست‌های ضمیری یا، به عبارت رایج‌تر، از ضمائر متصل فاعلی به عنوان فاعل استفاده می‌شود. مقاله «بررسی پی‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری» (واحدی لنگرودی و ممسنی ۱۳۸۳) نیز به همین موضوع پرداخته است. تحقیق منتشر شده دیگر در مورد این گویش، مطالعه نظام آوایی آن (کرد زعفرانلو و ممسنی ۱۳۸۵) است.

۳. ستاک‌های فعلی

فعل در گویش دلواری دارای دو ستاک حال و گذشته است. در این مقاله مثال‌های گویش دلواری آوانویسی شده است و معادل فارسی معیار آنها در مقابل هر مورد قرار گرفته است.

۱.۳ ستاک حال

در مجموعه ستاک‌های ذیل، ستاک‌های حال افعال دلواری و معادل آنها در فارسی معیار قید شده است.

دلواری	فارسی معیار	دلواری	فارسی معیار
xor	خور	gu	گو(ی)
xæɪ	خواب	dʒæɪ	جه (از ریشه جستن)
koʃ	کُش	ræn	انداز
dʒa	جو (از ریشه جوبیدن)	tʃorv	سُر

ستاک حال در ساخت فعل امری، مضارع اخباری و مضارع التزامی به کار می‌رود. صورت‌های آوایی یاد شده در وجه امری کاربرد دارند، اما در برخی از موارد دیده می‌شود که هنگام افزودن پسوندهای صرفی، واکه میانی یا پایانی برخی از آنها دچار تغییرات آوایی مثل ارتقای واکه‌ای [æ] و [a] به [e] می‌شود. در مقاله حاضر این نوع تغییرات آوایی در دسته‌بندی افعال تأثیری ندارد.

۲.۳ ستاک گذشته

تکواژ گذشته دارای چهار تکواژگونه [d], [t], [ið], [s] است. این تکواژ به انتهای ستاک حال فعل متصل می‌شود و ستاک گذشته می‌سازد. ستاک گذشته در ساخت گذشته ساده و گذشته استمراری به کار می‌رود. هنگام افزودن تکواژ گذشته ممکن است تغییرات آوایی در ستاک حال رخ دهد. بر این اساس (بدون در نظر گرفتن تغییر آوایی ارتقای واکه‌ای [æ] و [a] به [e]) ستاک‌های گذشته را می‌توان به دو گروه منظم و نامنظم تقسیم کرد.

۱.۲.۳ ستاک‌های گذشته منظم

به آن دسته از ستاک‌هایی اطلاق می‌شود که افزودن تکواژ گذشته، تغییر آوایی در ستاک حال پایه ایجاد نمی‌کند. (تکواژگونه‌های گذشته در این مثال‌ها تیره شده‌اند و ستاک‌های زمان حال قبل از علامت + قرار گرفته‌اند).^۱

فارسی معیار	دلواری	فارسی معیار	دلواری
لرزید	derowf + ið	بارید	bar + ið
چکه کرد؛ افتاد	tok + ið	جوشید	dʒuʃ + ið
گذشت	tʃel + ið	کشید	kɪʃ + ið
جنید	dʒomb + ið	تلوتلو خورد	lok + ið
پیچید	pitʃ + ið	پرسه زد	pelek + ið
له شد	tʃelek + ið	پوشید	puʃ + ið
برید	bor + ið	پوسید	pus + ið
پاشید	paʃ + ið	رسید	res + ið

در محاوره سریع همخوان سایشی [ð] کاملاً حذف می‌شود. در چند مورد از افعال گذشته منظم گروه فوق، مشاهده شده است که واکه افتاده [æ]، که در صورت امری فعل وجود دارد، در صورت‌های زمان گذشته (و نیز زمان حال)، ارتقا می‌یابد و تبدیل به [e] می‌شود (صورت امری این افعال برای مقایسه این تفاوت آوایی در یک ستون جداگانه آمده است):

فارسی معیار	دلواری	صورت امری فعل
آرام گرفت	tep + ið	be-tæp
خوابید	xet + ið	hu-xæt
لنگید	ʃel + ið	be-ʃæl
پرید	per + ið	be-pær
خندید	xen + ið	be-xæn

(۱) تکواژ [-ið] دارای صورت واجی زیر ساختی /-id/ است. در محاوره‌های سریع، همخوان پایانی کاملاً حذف می‌شود. در تمام واژه‌هایی که در این مقاله صورت آوایی آنها دارای واجگونه [ð] میانی است، می‌توان از واجگونه [j] نیز استفاده یا آن را کاملاً حذف کرد. پس می‌توان گفت که /d/ در گویش دلواری دارای چهار واجگونه [ð]، [j] (در موقعیت میانی و گاه پایانی)، [d] (در موقعیت آغازی) و [θ] (در موقعیت پایانی) است.

در موارد معدودی، تکواژ گذشته‌ساز [t] به انتهای ستاک حال افعال متصل می‌شود و ستاک گذشته می‌سازد:

فارسی معیار	دلواری
بافت	baf + t
پیدا کرد	vadžuf + t

در مثال‌های زیر، تکواژگونه [d] به انتهای ستاک حال افعال افزوده شده و ستاک گذشته ساخته است:

فارسی معیار	دلواری	فارسی معیار	دلواری
برد	bor + d	آرد کرد	hæʔær + d
خاراند	koron + d	سپرد	separ + d
چید	tʃin + d	فرستاد	?erson + d

۲.۲.۳ ستاک‌های گذشته نامنظم

به آن گروه از افعال زمان گذشته اطلاق می‌شود که در اثر افزودن تکواژگونه‌های گذشته در ستاک حال، تغییراتی از قبیل دگرگونی واکه‌ای، تغییر همخوان، حذف یا درج همخوان ایجاد می‌شود.

معادل فارسی	ستاک گذشته	تکواژ گذشته	ستاک حال
توانست	tonos	s	ten +
گرفت	geret	t	gir +
فروخت	horoh̄t	t	ruʃ +
کاشت	kaʃt	t	kar +
سایید	sene-ʔ-iδ	iδ	sena +
برید	boriδ	iδ	bor +
کرد	kerd	d	kon +
داد	dad	d	de +

معادل فارسی	ستاک گذشته	تکواژ گذشته	ستاک حال
بست	bas	s	van +
گفت	got	t	gu +
رفت	ræft	t	row +
رقصید	baxt	t	vaz +
جویید	dʒe-ʔ-iδ	iδ	dʒa +
سُرید	soriδ	iδ	sor +
آورد	?ovord	d	?a(r) +
خورد	xærd	d	xor +

به نظر می‌رسد که قاعده آوایی خاصی بر توزیع این تکواژگونه‌ها حاکم نباشد؛ مثلاً سه ستاک حال bor, xor و sor جز در همخوان اول، در سایر واج‌ها، مانند هم هستند (یعنی گروه کمینه‌اند)؛ اما با دو تکواژگونه متفاوت [d] و [ið] به ستاک گذشته تبدیل می‌شوند.

۴. مصدر و علامت مصدر

در گویش دلواری، تکواژ [-e] مصدرساز است که به ستاک گذشته فعل افزوده می‌شود:^۱

فارسی معیار	مصدر	تکواژ مصدرساز	ستاک گذشته
کاشتن	kaʃte	e +	kaʃt
گشتن	gæʃte	e +	gæʃt
مردن	morde	e +	mord
بیختن	behte	e +	beht

فارسی معیار	مصدر	تکواژ مصدرساز	ستاک گذشته
راندن	ronde	e +	rond
کردن	kerde	e +	kerd
جویدن	dʒeʔiðe	e +	dʒeʔið
شناختن	ʃena:te	e +	ʃena:t

۵. صفت مفعولی

در گویش دلواری، صفت مفعولی با افزودن تکواژ [-e] به ستاک گذشته فعل به دست می‌آید و در زمان و وجه‌هایی خاص در ساخت گروه فعلی به کار می‌رود. صفت مفعولی، علاوه بر کاربرد اسنادی^۲، به صورت وصفی^۳، نیز کاربرد دارد. در کاربرد وصفی صفت مفعولی، این صفت پس از اسم به کار می‌رود و آن را وصف می‌کند. در کاربرد اسنادی، صفت مفعولی با افعال اسنادی مثل فعل «بودن» به کار می‌رود و به عنوان مسند چیزی را به یک اسم اسناد می‌دهد.

(۱) در گویش تالشی دهستان طاسکوه ماسال نیز تکواژ /-e/ به ستاک گذشته فعل اضافه می‌شود و مصدر می‌سازد: /dʒang + e/ «جنگیدن»، /vikard + e/ «ریختن» (نغزگوی کهن ۱۳۷۳: ۵۱).

2) predicative

3) attributive

صورت اسنادی (تصریفی)		صورت وصفی	
شیشه شکسته بود.	ʃiʃe ʔejkæhs-e bi	شیشه شکسته	ʃiʃe-j-e ʔejkæhs-e
پیراهن پاره شده است.	dʒume dekaɛl vavið-en	پیراهن پاره شده	dʒume-j-e dekaɛl vavið-e
خانه سوخته بود.	xune soht-e bi	خانه سوخته	xune-j-e soht-e

همان‌طور که در بخش ۴ دیده شد، [-e] تکواژ مصدرساز نیز است. در واقع، صورت ساختوازی مصدر و صفت مفعولی یکسان است، یعنی هر دو از ستاک گذشته فعل به اضافه تکواژ [-e] ساخته می‌شوند؛ با این حال، باید متذکر شد که این دو، تکواژهای جداگانه‌اند که توسط واژک یکسانی ظاهر می‌شوند:

مشغول پختن بود. (مصدر) gire poht-e bi

ناهارش را پخته بود. (صفت مفعولی) tʃas=ef poht-e bi

تمایز این دو در بافت زبانی قابل درک است.^۱ چنانکه در مثال‌های بالا دیده می‌شود، صفت مفعولی فقط در دو جایگاه اسنادی و وصفی کاربرد دارد؛ در حالی که مصدر، اسم محسوب می‌شود و در جایگاه فاعل، مفعول و متمم قرار می‌گیرد:

الف. مصدر = فاعل

گریه کردن چشم لایلا را از بین برد. girix kerd-e tʃef-e lejla=f ʔæz bejn bo

ب. مصدر = مفعول

مریم غذا پختن را دوست دارد. mæɾjæm xorak poht-e =æf dus-en

ج. مصدر = متمم

همیشه برای بهانه گرفتن آماده است. hemiʃe si bowne geret-e ʔomaje-æn

(۱) این تشابه در گویش‌های همجوار دشتستانی و دشتی وجود ندارد، زیرا در این گویش‌ها مثل زبان فارسی معیار علامت مصدر /-æn/ است.

جدول ۳. ستاک‌های فعلی، صفت مفعولی، مصدر

ستاک حال	ستاک گذشته	صفت مفعولی	مصدر	معادل مصدر فارسی
dʒæx	dʒæhs	dʒæhs-e	dʒæhs -e	جستن
tepæn	topond	topond-e	topond-e	به زور جا کردن
teng	tengið	tengið-e	tengið-e	جستن، رقصیدن، پریدن
romb	rombið	rombið-e	rombið-e	افتادن، آوار شدن
vapitʃ	vapitʃið	vapitʃið-e	vapitʃið-e	درهم پیچیدن، ویران شدن
ʔejkæn	ʔejkæhs	ʔejkæhs-e	ʔejkæhs-e	شکستن
vadzur	vadzurt	vadzurt-e	vadzurt-e	پیدا کردن
vaʔuz	vaʔet	vaʔet-e	vaʔet-e	دوختن

۶. عناصر مطابقه

در گویش دلواری مانند فارسی معیار، فعل از نظر شخص و شمار با فاعل جمله مطابقت می‌کند؛ اما، به خلاف آن، دو نوع عنصر مطابقه در جمله وجود دارد: الف. شناسه‌های فعلی که در زمان حال تمام افعال و نیز زمان گذشته فعل‌های لازم به ستاک فعلی (حال یا گذشته) افزوده می‌شود. (این شناسه‌ها در جدول ۴ و مثال‌های مربوط به آنها، ذیل جدول آمده است). ب. پی‌بست‌های فاعلی که بازمانده ساخت ارگتیو فارسی میانه هستند و در جملات متعدی در زمان گذشته به انتهای عناصر متعددی، از جمله فعل متعدی، متصل می‌شوند و صورت واجی و ساختوازی متفاوتی نسبت به شناسه‌های فعلی دارند. در بخش ۲.۶ این عناصر همراه با مثال معرفی شده‌اند.

۱.۶ شناسه‌های فعلی

جدول ۴. شناسه‌های فعلی

جمع	مفرد	
-im	-om	اول شخص
-itu, -in, -ejn	-i, -ej	دوم شخص
-æn, -en	-ø, -en, -e, -et	سوم شخص

«رفتن» در زمان حال («ش» ستاک حال فعل «شدن» به معنای «رفتن» است)

mi-f-om	می‌روم	mi-f-im	می‌رویم
mi-f-i	می‌روی	mi-f-itu	می‌روید
mi-f-et	می‌رود	mi-f-en	می‌روند

ستاک فعلی [-f-] بازمانده فعل *fudæn* فارسی میانه است (نک: مکنزی ۱۳۷۹: ۲۵۰) که تنها در افعال مضارع اخباری و التزامی به جای مانده است. این ستاک در صورت امر و صورت‌های گذشته و صورت مفعولی یا مصدر استفاده نمی‌شود. فعل امر آن *bo-row* است و سایر صورت‌های فعلی از ستاک گذشته *ræft* ساخته می‌شوند.

۲.۶ پی‌بست‌های فاعلی

کلباسی به ذکر نقش و جای قرار گرفتن شناسه فعلی و ضمیر پیوسته (ضمیر فاعلی) در گویش‌های ایرانی ارگتیو پرداخته است. بر اساس نظر وی، ضمیر شخصی پیوسته در گویش‌های ارگتیو، علاوه بر نقش معمول مفعولی (مستقیم و غیرمستقیم)، ملکی و قیدی، به طور بسیار فعال در نقش فاعلی هم ظاهر می‌شود. این نقش غالباً در زمان گذشته افعال متعدی انجام می‌گیرد (کلباسی ۱۳۸۱: ۸۰-۸۱):

qærz-om gerete	قرض گرفته‌ام. (لاری)
seda-f-ka	صدا کرد. (گویش کلیمیان بروجرد)
mo namæ-m xon	من نامه را خواندم. (جیرفتی)

در جملات گذشته متعدی در گویش دلواری نیز ضمائر پیوسته موجود در جدول ۵ به عناصر مختلفی در جمله، به ویژه به انتهای ستاک گذشته فعلی و نیز برخی اجزای دیگر فعل، متصل می‌شوند و نقش فاعل جمله را ایفا می‌کنند. این پی‌بست‌ها نقش‌های نحوی دیگر، یعنی مفعولی، مفعول غیرمستقیم و مالک در عبارات ملکی را نیز می‌توانند ایفا کنند. اما در این مقاله در چارچوب مبحث افعال، تنها به نقش فاعلی آنها بسنده می‌شود.^۱ وجود این پی‌بست‌های فاعلی در جملات گذشته متعدی دو نوع تصریف برای هر فعل را موجب شده است.

(۱) برای مطالعه بهتر و دقیق‌تر پی‌بست‌های فاعلی، نک: ممسنی ۱۳۸۰؛ واحدی لنگرودی و ممسنی ۱۳۸۳.

جدول ۵. پی‌بست‌های فاعلی

مفرد	جمع	
=om ^۱	=emu	اول شخص
=et	=etu	دول شخص
=ef	=efu	سوم شخص

شایان ذکر است که پی‌بست‌های فاعلی مذکور باید با فاعل منطقی جمله (در صورت حضور) مطابقت کنند. برای سهولت تشخیص این پی‌بست‌ها از شناسه‌های فعلی از علامت «=» قبل از آنها استفاده می‌شود. فعل بسیط e-fond (شنیدن) با پی‌بست‌های فاعلی ارگتیو به شکل زیر صرف می‌شود:

?efond= om	شنیدم	?efond= emu	شنیدیم
?efond= et	شنیدی	?efond= etu	شنیدید
?efond= ef	شنید	?efond= efu	شنیدند

همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد، پی‌بست‌های فاعلی ارگتیو در جمله‌های زمان گذشته متعددی ظاهر می‌شوند و می‌توانند به عناصر متعددی از جمله ستاک گذشته فعل متصل شوند:

(?una) gep-a-t ?efond=**efu** (آنها) حرف‌هایت را شنیدند.

در فعل مرکب pors kerd-e «پرسیدن» پی‌بست فاعلی به جزء غیرفعلی متصل می‌شود:

(to) sey mo pors=**et** kerd تو از من پرسیدی.

در صورت منفی فعل مرکب، مثلاً در perx kerd-e «پرتاب کردن»، این پی‌بست‌ها معمولاً به پیشوند نفی متصل نمی‌شوند، اما در افعال بسیط منفی این اتصال ممکن است:

(mo) sæng perx=**om** ne-kerd من سنگ را پرتاب نکردم.

*(mo) sæng perx ne=**m** kerd

(۱) برای نشان دادن پی‌بست‌های ضمیری و تمایز آنها از شناسه‌های معمولی، از علامت «=» استفاده شده است. چون این پی‌بست‌های فاعلی در سمت چپ قرار دارند، عنصر پایه یا میزبان در همان سمت قرار می‌گیرد.

من این کار را نکردم. (mo) ?i kar-eku ne=m kerd

این پی‌بست‌ها هیچ‌گاه به پیشوندهای فعلی نظیر va- متصل نمی‌شوند:

*va=om xærd نوشیدم.
*va=et xærd نوشیدی.

۷. پیشوندهای فعلی

پیشوندهای فعلی که قبل از ستاک فعلی به کار می‌روند، در گویش دلواری دو گونه‌اند: یکی پیشوندهای تصریفی و دیگری پیشوندهای اشتقاقی.

۱.۷ پیشوندهای تصریفی

۱.۱.۷ پیشوند be- قبل از ستاک حال می‌آید و دارای نقش نحوی التزام و امر است:

be-res-om برسم. (حال التزامی)
kaʃka be-vin-e(t) ای کاش ببیند.
be-res (امری) برس!
be-vin-itu ببینید!

۲.۱.۷ در افعال معدودی، به جای پیشوند be-، از پیشوند hu- استفاده می‌شود که وجه امری و التزامی می‌سازد. این افعال عبارت‌اند از: کردن، خوابیدن، انداختن، نهادن، نشستن، نشان دادن.^۱

حال التزامی:

hu-ren-et ببندازد.
movada hu-ren-et=ef مبادا او را ببندازد.
?egi perx ho-ko-t اگر پرتاب کند.

(۱) در گویش مازندرانی کلاردشت نیز پیشوند مشابه /hā-/ در وجه امری و حال التزامی به کار می‌رود. این پیشوند با افعال بسیط «کردن»، «دادن» و «گرفتن» همراه است: می‌کنم /ha-ko-me/ و بکنم /ha-kon-æm/ (کلباسی ۱۳۷۲: ۹۳-۹۴).

در وجه امری و التزامی در فعل‌های بسیط پیشوند hu- قبل از فعل می‌آید و در افعال مرکبی که جزء فعلی آنها «کردن» است، پیشوند hu- قبل از قسمت فعلی می‌آید:

وجه امری:

hu-ræn	بینداز.
perx ho-ko	پرتاب کن.

۳.۱.۷ پیشوند نفی [ne-] برای منفی کردن فعل به ابتدای ستاک حال و گذشته فعل مورد نظر متصل می‌شود، عامل استمرار و سایر پیشوندهای فعلی بعد از این پیشوند قرار می‌گیرند:

ne-mi-vin-en	نمی‌بینند.
ne=fu-di	ندیدند.
ne-mi-f-en	نمی‌روند.
ne-ræft-en	نرفتند.

در فعل‌های مرکب [ne-] به عنصر فعلی می‌چسبد:

nesi?at ne-mi-ko	نصیحت نمی‌کند.
pors ne-mi-kon-om	نمی‌پرسم.

در مورد فعل‌هایی که نمود ناقص دارند، یعنی آنهایی که با واژه‌های hasey hey (معادل فعل «داشتن» در فارسی معیار) به کار می‌روند، پیشوند فعلی استفاده نمی‌شود. در واقع این نوع افعال صورت منفی ندارند:

*hey ne-mi-vin-om	*دارم نمی‌بینم.
-------------------	-----------------

پیشوند نفی ne- با پیشوندهای اشتقاقی مثل va- قابل جمع است و، جز در موارد معدود، قبل از آنها قرار می‌گیرد:

ne-va-mi-xo	نمی‌خورد.
ma dær n-ænd-e bi	ماه در نیامده بود.

۴.۱.۷ پیشوند نهی دارای دو تکواژگونه **mo-** و **me-** است که قبل از ستاک حال فعل قرار می‌گیرند و فعل نهی می‌سازند. اگر ستاک فعل دارای واژه [+ گرد] باشد **mo-** و اگر دارای واژه [- گرد] باشد، **me-** ظاهر می‌شود:

me-riz	نریز	mo-ko	نکن
mo-ro	نرو	me-næx	ننشین
me-xæt	نخواب	mo-xo	نخور

mo- با پیشوندهای امری-التزامی **be-** و **hu-** در توزیع تکمیلی است:

***mo-ho-ko** ***me-be-riz** ***me-hu-næx**

پیشوند نهی قبل از ستاک فعل و بعد از پیشوندهای اشتقاقی واقع می‌شود:

bær mo-ko	نپوش
va-mo-xo	ننوش
va-me-gærdu	برنگردان

۲.۷ پیشوندهای اشتقاقی

پیشوندهای اشتقاقی کارکرد دستوری ندارند و بر دو نوع‌اند: الف. گروهی (پیشوند فعلی) که اگر حذف شوند فعل باقیمانده بی‌معنی است. ب. پیشوندهایی که در صورت حذف آنها، فعل معنای جدیدی پیدا می‌کند. از میان پیشوندهای اشتقاقی **va-**، **vær-**، **bær-**، **dær-**، پیشوند **va-** از بسامد بسیار بالایی برخوردار است:

va-xærd-e	نوشیدن
va-xond-e	بازخوانی کردن، دوباره خواندن
va-kænd-e	کندن، حفر کردن
va-terkið-e	شکافته شدن درز دوخته شده
va-tfærið-e	زخم شدن سطحی پوست

از میان پیشوندهای گروه الف به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

va-kovond-e	کاویدن
va-dʒurt-e	پیدا کردن
va-sey-e	بازستاندن، گرفتن
va-peʃkiδ-e	بازشدن (چشم)

در پیشوندهای گروه ب، چنانچه پیشوند حذف شود، فعل باقیمانده معنای دیگری پیدا می‌کند. در مثال‌های ذیل، که هم فعل دارای پیشوند و هم فعل بدون پیشوند آمده است، تفاوت معنایی میان دو فعل ملاحظه می‌شود. با اندکی تأمل دیده می‌شود که، با وجود تفاوت در معنا، می‌توان ارتباط معنادار و منظمی بین دو فعل برقرار کرد. پرداختن به این موضوع از حیطه این مقاله خارج است.

va-xærd-e	نوشیدن	xærd-e	خوردن
va-tengiδ-e	پریدن (به شکلی خاص)	tengiδ-e	پریدن
va-periδ-e	باز شدن جل تاره ^۱ نخل	periδ-e	پرواز کردن
va-got-e	بازگو کردن	got-e	گفتن
va-gæʃt-e	برگشتن	gæʃt-e	گشتن
va-geret-e	گرفتن بیماری از کسی	geret-e	گرفتن
va-ʔovord-e	برگرداندن	ʔovord-e	آوردن
va-ræft-e	بازگشتن	ræft-e	رفتن

پیشوند نفی قبل از پیشوند فعلی va- به کار می‌رود:

او دیگر به خانه بر نمی‌گردد. ʔu dige **ne**-va-mi-gærde xune

پیشوند فعلی-vær یا bar- در افعال معدودی ظاهر می‌شود و قبل از فعل قرار می‌گیرد:

vær-tʃeriδ-e	از چیزی بالا رفتن
vær-dʒæhs-e	برجستن، برجهیدن، پریدن از روی چیزی

(۱) «جل تاره» غلاف و پوسته کلفتی است که «تاره نخل»، یعنی میوه اولیه نخل، در آن محافظت می‌شود.

bær-xærd-e	آبستن شدن
vær-keʃið-e	آویزان کردن

علامت نفی بعد از پیشوند فعلی -vær یا -bær می‌آید.

reza fey divar vær-ne-tʃerið رضا از دیوار بالا نرفت.

پیشوند -dær نیز با بسامد پایینی قبل از فعل واقع می‌شود:

dær-ʔænd-e	درآمدن، بالا آمدن
dær-ræft-e	در رفتن
dær-kerd-e	شلیک کردن

علامت نفی بعد از پیشوند فعلی -dær قرار می‌گیرد:

?u ketav=ef dær-ne-ʔovord-e bi او کتاب را در نیاورده بود.

۸. خلاصه و نتیجه‌گیری

برای نیل به هدف این مقاله، یعنی بررسی دستگاه فعل در گویش دلواری، یکی از گویش‌های قدیم جنوب ایران، تلاش شده است که برخی از خصوصیات مهم فعل در این گویش بررسی شود. ملاحظه شد که فعل دارای یک ستاک حال است که، با افزودن تکواژ گذشته، ستاک گذشته آن ساخته می‌شود. همچنین، با افزودن تکواژ -e به آن، صفت مفعولی و مصدر ساخته می‌شود. گویش دلواری دارای دو نوع علامت مطابقت فعلی است. در افعال زمان گذشته متعدی، از پی‌بست‌های ضمیری و در سایر افعال از شناسه‌های فعلی استفاده می‌شود و، در تمام موارد، فعل از نظر شخص و شمار با فاعل منطقی جمله مطابقت می‌کند.

پیشوندهای فعلی عبارت‌اند از پیشوندهای تصریفی مشترک امرساز و التزامی -be و -hu، پیشوند نهی -mo، پیشوند نفی -ne، و پیشوندهای اشتقاقی -va، -vær، -dær، -bær. در زمینه دستگاه فعل، بررسی نمود، حالت و جهت در این گویش، با توجه به دو نوع مطابقت موجود، ضروری است؛ اما در حوصله این مقاله مختصر نمی‌گنجد. شایان ذکر است که در این گویش علاوه بر دستگاه فعل، موارد خاص و متفاوت در زمینه

داده‌های زبان‌شناختی وجود دارد، مثل ریشه‌شناسی واژه‌ها، وجود واژه‌های مربوط به حوزه‌های معنایی (نخل، دریا و موجودات دریایی، کشتی و صیادی) که هر یک نیازمند پژوهشی دیگر است.

منابع

- رضایی باغبیدی، حسن، ۱۳۸۰، *معرفی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، تهران.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و ممسنی، شیرین، ۱۳۸۵، «توصیف دستگاه واجی گویش دلواری»، *زبان و زبانشناسی*، س ۲، ش ۲، پیاپی ۱۴، ص ۷۷-۹۴.
- کلباسی، ایران، ۱۳۷۲، «پسوندهای تصریفی و اشتقاقی در افعال گویش مازندرانی کلاردشت»، *مجله زبانشناسی*، س ۱۰، ش ۱، ص ۸۸-۱۰۵.
- _____، ۱۳۸۱، «نقش و جای شناسه فعلی و ضمیر پیوسته در گویش‌های ایرانی»، *مجله زبانشناسی*، س ۱۷، ش ۱، ص ۷۷-۱۰۲.
- مکنزی، دیوید نیل، ۱۳۷۹، *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران.
- ممسنی، شیرین، ۱۳۸۰، «توصیف و بررسی واژی-نحوی واژه‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی*، دانشگاه تربیت مدرس.
- منصوری، خورشید، ۱۳۷۵، «توصیف گویش دشتی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی*، دانشگاه شیراز.
- نغزگوی کهن، مهرداد، ۱۳۷۳، «توصیف ساختمان دستگاه فعل در گویش طالشی دهستان طاسکوه ماسال»، *مجله زبانشناسی*، س ۱۱، ش ۱، ص ۳۸-۵۷.
- واحدی لنگرودی، محمدمهدی و ممسنی، شیرین، ۱۳۸۳، «بررسی پی‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری»، *مجله گویش‌شناسی*، دوره ۱، ش ۳، ص ۶۴-۸۱.

